

خواهد بود.

ماده بیست و هفتم - آژان دیپلوماسی نظامی مختار تام دولت شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری اطمینان می دهد که دولت متبوع آن سپس خدمات پلتیکی حسنه نسبت به ایران کرده و در مواقع مذاکرات مراجعه به صلح عمومی جنگ بین المللی حالیه نمایندند صلح دولت شاهنشاهی اطریش و هنگری فوائد این ایالت و همراهی ایران را در نظر داشته و در موقع لزوم ایران هم مفری در آن مجلس برای مذاکرات پلتیکی آتیه خود خواهند داشت. ماده بیست و هشتم - این معاهده نامه فوق الذکر بلافاصله پس از امضاء آژانهای دیپلومات مختار تام طرفین به رسمیت شناخته خواهد شد سپس به امضاء حضرت مستطاب آقای امیرمؤید رسیده و در تمام مدت جنگ بین المللی این معاهده باقی مانده، و همچنین با نظریات طرفین متعاهدتین ممکن است طول مدت ارزش آن مداومت بیابد. طرفین متعاهدتین ذی حق هستند که به بعضی از مواد آن تغییرات مقیده بدهند یا این که به آن موادهای جدیدی اضافه نمایند، لری یا تبادل افکار همدیگر.

طرفین متعاهدتین این معاهده را باید مخفی داشته و محتویات آن را با جدیت تام مجرا دارند ولی انتشار آن از هر جهت ممنوع است مگر به اشخاصهایی که طرف اطمینان و مجاز به اطلاع آن هستند. درخاتمه از خداوند مسئلت میشود که به کمک خود ما را به اجرائیات و احترامات این معاهده متقاعد دارد.

این معاهده در شهر بارفروش که یکی از شهرهای ایالت مازندران است در نوزدهمین روز ماه ژوئن سال هزار و نهدصد و هیجده مسیحی خاتمه پیدا کرده آژانهای دیپلوماسی مختار تام طرفین متعاهدتین و خود حضرت مستطاب آقای امیرمؤید این ورقه معاهده را امضاء داشته و چهار نسخه از آن کپی شده (دو فرانسسه، دو فارسی) برای طرفین متعاهدتین خواهد ماند.

در بارفروش نهم ماه رمضان سال هزار و سیصد و سی و شش هجرت خاتمه پیدا کرده است.

{امضاء | اسمیل امیرمؤید

{امضاء | نماینده دولت اطریش و هنگری

ادموند کوپ فیروزلو

{حاشیه : | نماینده جناب مستطاب آقای امیرمؤید، در حضور بنده این معاهده اختتام پیدا کرده.

{امضاء | دکتر حسن خان

{حاشیه | در حضور بنده خاتمه پیدا کرد و امضاء شد.

{امضاء | دکتر حسن خان

مذاکرات فوق العاده راجع به همین معاهده و اتفاق دوستی و اتحاد پلتیکی و نظامی طرفین متعاهدتین متقاعدند که مخارجی که به شکل قرض ایالت مازندران تأدیه می نماید حد مافوق آن از پنجاه هزار تومان متجاوز درخواست شود که تقریباً مخارج سه ماه یک باطالیون کوهستانی دولت شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری است (باتمام دستجات لازمه) این مبلغ حد اعلائی قرض است که ایالت در موقع لزوم می پردازد در صورتی که دو یا عده باطالیون مضاعف باشد حد قرض به همین مقدار خواهد بود. به همین قسم دولت شاهنشاهی سلطنتی اطریش و هنگری هم در موقع لزوم و احتیاج به حضرت مستطاب آقای امیرمؤید به اسم قرض خواهد پرداخت مثل متجاوز از پنجاه هزار تومان هم می پردازد.

یازدهم رمضان هزار و سیصد و سی و شش ۲۱ ژانویه ۱۹۱۸
 [امضاء] اسمعیل امیرمؤید، دکتر حسن خان نماینده جناب مستطاب آقای امیرمؤید، ادموند کوپ مبلغ ششصد تومان از حضرت مستطاب آقای امیرمؤید به شکل اعتبار دریافت شد که به مصرف حمل و نقل برسد و در موقع لزوم برطبق معاهده جاریه (اتفاق و دوستی نظامی پلتیکی) تأدیه خواهد شد.
 آژان دیپلوماسی مختار تام نظامی دولت شاهنشاهی سلطنتی ادموند کوپ فیروزلو نایب اول دولت شاهنشاهی سلطنت

[امضاء] ادموند کوپ

(۲۲۱)

گزارش نظام السلطان امیر نوری به امیرمؤید

مررخه چهارشنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۶

چیزی که اظهار آن را بسیار لازم می دانم تشرف بنده به حضور اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه می باشد که دیروز به عمل آمد و برای جلب التفات آقایان محترم می نویسم ملاقات تنها و بدون حضور غیر به عمل آمد مقدس خاطر انور اعلیحضرت همایونی را میذول بذل مساعدت شاهانه در کلیه امور مملکت متوجه ساخته و سپس موقع را مغتنم شمرده مستدعیات اهالی مازندران را که تماماً بر روی اساس دولتخواهی و شاه پرستی است موضوع عرایض خود قرار داده چنین عرضه داشتم صمیمیت و صداقت غلام در تمام

مراحل خدمتگزاری و پسند صحت عمل و احتراز منفعت پرستانه ظاهر شده است. این گونه صدیق تصور می کند که بنای تاج و تخت اعلیحضرت شهریار با تکثیر قوای مملکت و اجراء اصلاحات مؤثره در آن لازم و ملزوم یکدیگرند مستدعیات اهالی مازندران که ناشی از فرط تمشوق به عظمت مقام اعلیحضرت شاهنشاهی نتیجه صمیمیت به آنها براین است که ابداً متضمن مقاصد سوئی که دشمنان مملکت تعبیر کرده و در جدیت در القای شبهه می نمایند نبوده و نیست فائذین اجتماعی مازندران هم از متحدین امین و صدیق دولت و پادشاه بوده و منظوری جز تمرکز یک قوای انتظامی در مملکت نداشته و ندارند که ایجاد قوه مزبوره و استعمال آن در تمام موارد برای اعلیحضرت شهریار در مقاومت با اشکالات داخلی و خارجه دارای اعلاء درجه اهمیت است اعلیحضرت همایونی بهتر متذکر هستند که به واسطه آسایش اهالی ولایت از عملیات زمامداران مرکزی اجراء اصلاحات لازمه و در مرکز مملکت را بتواند تأمین نماید سپس اعلیحضرت همایونی به واسطه سوء نظری که از مطبوعات جنگل نسبت به مقام منبع سلطنت داشته اند اظهار مودت فرموده و چنین توضیح مرام نمودند که باین حالت دلائل و اعتماد من به این اظهارات صورت نخواهد پیوست لکن مخلص این طور دفاع نمودم علاوه بر آن که مسئول مطبوعات جنگل را به همین علت تمام اهالی رشت مورد اعتراض قرار داده اند نظر به معلومات تردید ناپذیری که غلام را در یکی از علل تأخیر حصول روابط اهالی مازندران با جنگل و بلکه تیرگی مناسبات آنها به جهات دیگر که رابطه طبیعی با حفظ عظمت مقام سلطنت شاهنشاهی است بوده و مادامی که در این نیات موافقت حاصل نشود ایجاد و اتصال حقیقی تأمین آنان و البته ممکن نیست و عملیاتی که تاکنون شده در تحصیل موافقت امید بخش است نظر به مراتب معروضه امیدوارم اعلیحضرت شاهنشاهی مستدعیات اهالی مازندران را که نتیجه صداقت و فدویت و تبعیت مقام منبع سلطنت است با قید لطف و عنایت شاهانه تلقی فرموده و در اولین مرحله کابینه جدید تشکیل خواهد شد اوامر شاهانه به هیأت دولت صادر و حکم به اعمال مساعدت در انجام مستدعیات اهالی خواهند فرمود. نتیجه بالطبع عاید اعلیحضرت شهریار و دولت و مملکت شاهنشاهی است از عرایض مذکوره صادقانه آثار مشمول عنایت شاهانه و بشاشت از آن مقام مقدس مشهور بود و سپس از کیفیت تلقی اهالی نسبت به حکومت ذکاء استعلام فرمودند و این بنده چنین عرضه داشته ام اگر چه آقای ذکاء الدوله جوان با تربیت و خدمتگزار لایقی است لکن چون اهمیت فعلی مازندران حاکم مجرب و کاری با سابقه را در امور حکومت اقتضا دارد و به عقیده چاکر مقتضی است قبلاً به عرایض و مستدعیات آنان امعان نظر و بذل توجهی فرموده سپس شخص مجرب کافی لایقی که

درخور استعداد این فرزندان روحانی اعلیحضرت باشد به حکومت منصوب فرمایند و در خاتمه به عرض رسانیدم که اهالی مازندران از اوامر اعلیحضرت شهریاری را به جان و دل مطیع بوده و نمایندگان دولت شاهنشاهی را لازم و اطاعت می نمایند اصم از این که توجه به ذکاءالدوله باشد یا خیر به طور کلی تشرف من به حضور اعلیحضرت و جریان مذاکراتی که به عمل آمد فوق العاده تأمین بخش و جالب توجه و عنایات شاهنشاهی بود و محض استحضار خواطر آقایان محترم خلاصه آن را در این مراسلات نوشتم امیدوارم در تعقیب این گونه عملیات مؤثر به مقاصد عالییه که در اجراء خدمات امیدوارم تحصیل موفقیت نمایم. در خاتمه اطلاعاً خاطر نشان می نمایم که در همین دیروز حضرت مستطاب اجل آقای سردار کل حکمران گیلان بعد از مرخصی من به حضور اعلیحضرت شهریاری تشرف حاصل کرده و شرحی دایر به حسن و فدویت و صمیمیت اهالی جنگل نسبت به آن مقام منیع عرضه داشته و ضمناً لزوم بذل عنایت شاهانه را درباره اهالی مازندران مورد توجه اعلیحضرت شاهنشاهی نمودند بدیهی است جلب مساعدت از این قبیل عناصر محترمه و عملیات ایشان را مقتنم خواهید شمرد و خود ایشان هم در ظرف همین دو سه روزه به سمت گیلان رهپار خواهند شد قضیه فوق العاده موقعیت دارد امیدوارم سلسله اتحاد یگانگی بسط پیدا کند و جناب معزی الیه هم نظریات سیاسیشان حفظ بی طرفی و معصومیت ایران از هرگونه ضربت اجنبی است چنان که عقیده هم همین است و بس.

(۲۲۲)

سواد مکتوب نظام السلطان به محمد اسماعیل خان امیرمؤید

در مسئله حکومت آقای ذکاءالدوله شرحی اشعار فرموده بودید مراتب را به خود ایشان خاطر نشان کردم، و خودشان تصدیق کردند که تا پیشنهادات آقایان نرسد و قرار قطعی در این کار از طرف دولت داده نشود حرکت نکنند؛ حتی محمود زاده را برای ریاست نظمیّه انتخاب کرده بودند و بنده ایشان را از این خیال باز داشته و گفتم تا مذاکرات آقایان با دولت خاتمه پیدا نکند از این گونه تصمیمات صرف نظر نمائید. خود بنده که حتی القوه از انجام خدمات ولایات خودداری نخواهم کرد گرچه آقای ذکاءالدوله ابتدای خدمت است که از طرف دولت رجوع گردیده ولی چون حقیقتاً خیلی باهوش و با عقاید اجتماعی همراه هستند می توان از وجودشان همه نوع استفاده کرد و عجالتاً هم از طرف دولت به ایشان رجوع شده

و حاکم رسمی هستند؛ ضروری ندارد که در مشورت پیشنهادات، ایشان دخالت داشته باشند.
نظام السلطان

(۲۲۳)

سواد نامه ظهیرالملک^۱ به محمد اسماعیل خان امیرمؤید

از تهران به بارفروش مورخه ۱۴ برج سرطان یونت نیل
جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقای امیرمؤید کفیل محترم حکمفرمای مازندران
تلگراف ۷ برج سرطان، امروز واصل، و از مساعدت جنابعالی در انتظام آن خطه نهایت
مسرور، و به هیئت محترم دولت نیز آن مراتب کاملاً معروض، رضایت بخش، و این
اقدامات اخیر جنابعالی را تأیید می فرمایند. در باب مقاصد حقه اهالی طبرستان نیز، نظر به
حسن وطن خواهانه جنابعالی، همین که نمایندگان آمدند کمال مساعدت خواهد شد.
راپرت گزارشات را مرتباً منتظرم.

حکومت مازندران

محل مهر تلگرافخانه بارفروش

(۲۲۴)

سواد مکتوب نظام السلطان به محمد اسماعیل خان امیرمؤید

دیروز جناب مستطاب آقای ظهیرالملک، دام اقباله، که مأمور مازندران شده اند، بنده
منزل تشریف آوردند و آنچه شاید و باید از جناب مستطاب عالی مذاکره به عمل آمد. و
نهایت مساعدت را خواهند فرمود و جنابعالی هم شخصی نبوده و نیستید که برای منافع و
نظریات شخصی راضی به ظلم و تعدی شده و محتاج باشید که من غیر حق مساعدتی
دریاره شما بشود ولی برای این که پاره ای تصورات بی موقع و بی ربط نکنید این لایحه را جز
به شخص خودتان احدی نباید ملاحظه کند. و البته ایشان هم با فطرت و پاکی که دارند و باید
مقامی و عالم خصوصیت که در بین باشد طرف ظلم را نخواهند گرفت و مظلوم را از دست

۱. حاکم مازندران. نامبرده در دولت و لوقه الدوله مدیر کل وزارت خارجه بود او پدر محسن رییس است و بعدها حکمران حوزستان شد.

نخواهند داد، و جنابعالی با نهایت اطمینان می توانید مطالب خود را خدمتشان اظهار فرمائید.

(۲۲۵)

مکتوب نظام السلطان به محمد اسمعیل خان امیر مؤید

و در تشکیل جلسه از آقایان مازندرانی و انتخاب هفت نفر به سمت نمایندگی در تهران، لازم می دانم اساساً خاطر جنابعالی را مستحضر نمایم اگر از این حضرات آقایان مقیمین تهران به تعلیمات و جلسات ضدیت آمیز اشتغال داشتند محض جلوگیری از سوء تأثیر این اقدامات لازم داشتم به نام طبرستانی در یک محلی تمام آنها را گرد آورده و یک عده منتجی از آنها را خارج نموده که خود آن مسئله سبب شود چنانچه روی موافقت حاضر شده اند فیها و اگر به خلاف خواستند اقدامی نمایند به طور عاقلانه عملیات آنها خنثی مانده و دیگر نتواند عرض اندامی بکند در این صورت متذکر خواهید بود که اعلام رسمیت و ارجاع هرگونه مطالب مهمه را به آن مقتضی ندانسته موکول به ورود نمایندگان فعلی خواهید فرمود و شرحی مفصلاً راپرت شرفیابی خودم را ارسال داشته‌ام و خاطر محترم آقایان را از حسن توجه و عطوفت ذات شهرباری مستحضر خواهند فرمود و امیدوارم این... ملی را در سایه اتحاد و اتفاق عموم علمای اعلم و امراء عظام نگاهداری نموده از تاریخ خدمتگزاری خودم را به وطن عزیز در پیشگاه خیرخواهان و صالحین قوم زنده ابدی نگاه داشته و در مقابل حسن ظن آقایان نسبت به خودم به انجام وظایف موفق و نائل شوم.

(۲۲۶)

سواد تلگراف امیر سهام‌الدین^۱ به امیر مؤید

از تهران به بارفروش، نمره ۱۰ تاریخ ۱۹ برج سرطان یونس‌نیل ۱۳۳۶
خدمت جناب مستطاب اجل امجد آقای امیر مؤید کفیل محترم حکمفرمای مازندران دام
اجلاله

راجع به قضیه جدیدی که در مشهد سر رخ داده لازم است مفصلاً راپرت نمائید که به عرض دولت برسد و در انتظامات مخصوصاً مراقبت در بنادر طوری که از کفایت و حسیات جنابعالی انتظار دارم است به تأسیس این موقع تظاهراتی بدهند.

امیرسهام حکومت مازندران

محل مهر تلگرافخانه

(۲۲۷)

سواد مرسله نجفقلی خان صمصام السلطنه

به محمد اسمعیل خان امیر مؤید

نمبره ۴۶۷

مورخه ۲۹ برج سرطان ۱۳۳۶

ریاست وزراء

فدایت شوم چون حضرت مستطاب شریعتمدار حجة الاسلام آقا شیخ محمد مجتهد حائری^۱ دامت برکاته برای تغییر آب و هوا و رسیدگی به کارهای شخصی قصد مسافرت به دودانگه بیلاق مازندران دارند و از راه سمنان عزیمت خواهند نمود مقتضی است که در رعایت احترام در ورود و تهیه لوازم تسهیلات مسافرت ایشان به حکام جزء و مأمورین حوزه حکومتی مازندران تأکیدات لازمه را به عمل آورند که از حسن اهتمام جنابعالی موجبات تسهیل مسافرت در تأمینات خطوط عبور معزی الیه کاملاً فراهم شده و مرفه الحال به صوب مقصد رهپار شوند.

نجفقلی بختیاری

(۲۲۸)

سواد تلگراف وزارت داخله به محمد اسمعیل خان امیر مؤید

نمبره ۸۷۸۴

از تهران به ساری

مورخ ۸ اسد ۱۳۳۶

جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیر مؤید دام اقباله

۱. شیخ محمد مجتهد حائری.

آقای ناصر قلیخان که از اعضاء موثق و میرز وزارت داخله است به ریاست دفتر حکومتی مازندران منصوب و قریباً عزیمت می نمایند البته نهایت مساعدت را در پیشرفت مأموریت مشارالیه به عمل خواهند آورد.

۲۱ شوال، نمره ۲۴۳۴

وزارت داخله، محل مهر تلگرافخانه

(۲۲۹)

سواد تلگراف وزارت داخله به محمد اسمعیل خان امیرمؤید

۱۳۳۸

نمره ۱۰

از تهران به بارفروش

مورخ ۱۱ اسد ۱۳۳۶

جناب مستطاب اجلی اکرم آقای امیرمؤید دام اقباله

قبل از وصول تلگراف جنابعالی برحسب پیشنهاد حکومت مازندران معاونت حکومت به عهده شاهزاده مظفرالدوله که طرف هرگونه اعتماد است واگذار و حکم رسمی آن صادر و قریباً حرکت خواهند کرد در این صورت توقف آقای امیرالامراء در آنجا صلاحیتی ندارد.

۲۳ شوال نمره ۲۴۹۹

وزارت داخله

(۲۳۰)

سواد تلگراف وزارت داخله به سیف الله خان باوند

وجه حواله است

۲۴۱۷ وزارت داخله

از تهران به ساری

نمره ۴۷۹۸۳

۷۹

آقای سیف الله خان، تلگراف شما رسید معاون حکومت حرکت کرده قریباً خواهد رسید البته از لازمه موافقت خودداری نخواهید کرد.

(۲۳۱)

سواد تلگراف ذکاءالدوله به محمداسمعیل خان امیرمؤید

مورخه ۱۲ اسد ۱۳۳۶

نمره ۱۵

از تهران به ساری

تلگراف دولتی

قبض ۸۹۴۱

خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیرمؤید کفیل حکمفرمای

مازندران دام اقباله

در بدو تفویض حکومت مازندران به اینجانب نواب اشرف والا شاهزاده مظفردوله را در پیشگاه دولت به سمت معاونت خود معرفی احکام رسمی ایشان صادر گردید اینک برحسب امر حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ این دو روزه حرکت کرد قریباً به مازندران وارد خواهند شد. انتظار دارم جناب مستطاب اجل عالی و جناب مستطاب اجل آقای سردار جلیل نهایت مساعدت را در پیشرفت از معززی الیه بفرمایند.

ذکاءالدوله

محل مهر تلگرافخانه

(۲۳۲)

سواد مرقومه وثوقالدوله رئیس الوزراء به محمداسمعیل خان امیرمؤید

مورخه ۲۱ اسد ۱۳۳۶

نمره ۱۸ ریاست وزراء

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله

به طوری که از وزارتین جلیلتین جنگ و داخله هم به جنابعالی نوشته اند جناب آقای حاج سید کاظم صراف مطابق چک معتبر به ثبت و تمبر عدلیه معادل یک هزار و پانصد و پنجاه تومان از آقای سیف الله خان طلبکار است که خواطر جنابعالی هم مطلع است زیرا به طوری که اظهار می دارند موافق احکام و اسناد معتبره سیزده هزار و پانصد تومان از محل سوادکوه مطالبات دارند چون استرداد مطالبات حقه ایشان موقوف به مساعدت و همراهی جنابعالی خواهد بود و در این موقع که مشارالیه عزیزت سوادکوه می نمود به این مختصر زحمت افزا شده بدیهی است که در استرداد مطالبات حقه ایشان از لازمه مساعدت و همراهی مضایقه نفرمائید. تا با حسن توجه عالی موجبات آسایش ایشان فراهم گردد.

ریاست وزراء نمره ۲۲۱۴

(۲۳۳)

سواد تلگراف تیرالسلطان^۱ به محمد اسمعیل خان باوند

نمره ۷، ۲۶ اسد ۱۳۳۶

تیران به فیروزکوه

جناب مستطاب اجلی آقای امیرمؤید دام اقباله

تلگراف جنابعالی را ملاقات نمودم و به مقامات مربوطه فرستادم گمان تدارد آقای ذکاءالدوله و آقای نظام السلطان به مازندران عازم بشوند و البته آن صفحه را به حال امروزه نخواهند گذارد.

تیرالسلطان

مهر تلگرافخانه

(۲۳۴)

سواد مکتوب وزیر مختار ایران
در سوئیس به اسمعیل خان باوند

پونت نیل، مورخ ۱۵ برج سنیه

نمره ۱۲۲۶

وزارت جلیله داخله

۱۲/۹/۷

حکومت مازندران

امیدوارم علی الله تعالی همواره در کمال سلامتی و اقبال کامرانی روزگار به خرمی و کامروائی برگذار فرمائید از حال مخلص مستحضر باشید اجمالاً بعد از این که حکمرانی آن سامان را به دوستدار مرحمت فرموده اند بعضی امر پلتیکی دولتی از طرف قرین اشرف همایونی ارواحنا فداء به مخلص رجوع گردید حسب الامر مشغول انجام خدمات مرجوعه گردیده و هیأت وزراء عظام هم چه مصلحت دیدند که حکومتی به حکمرانی تهران تبدیل نمایند. بنده به طور بعضی ملاحظات و معذورات قبول این مطلب را به کلی امتناع نمودم تا در این ایام که در ازدیاد امریه صلح پلتیکی و مذاکره آن به میان است برحسب لزوم اقتصادی مملکت دولت ایران باید چند نفر اشخاص قانونی دان متجدد که از کلیه امور سیاسی دول مستحضراند مأمور و اعزام نمایند چون دولت سوئیس بی طرف و دولت ایران نیز بی طرف مانده حسب الامر قدر قدرت همایونی ارواحنا فداء مخلص را به سمت وزیر مختار سوئیس

منتخب و این مأموریت را به مخلص مرحمت فرمودند. من هم چون دیدم در این موقع خدمت‌ها به وطن مقدس نموده نتایج حسنه تحصیل نمایم قبول این خدمت را نموده انشاءالله تعالی عن قریب بدان صوب عزیمت می‌نمایم با عالم خلوص ارادت مخصوصی به جنابعالی داشته و دارم خیلی میل داشتم که حکومت مازندران تغییر ناپذیر بود و هرآنچه آمده علاوه بر درک فیوضات خدمت عالی به مقتضای وطن پرستی و زحماتی که جنابعالی در راه وطن متحمل شده اید و من به خوبی مستحضر به محل امتحان رسانده‌ام امید داشتم که در این مأموریت در صدد جبران و تلافی بوده حتی المقدور که اقدامات جنابعالی بی نتیجه نماند... تقدیر یا تدبیر موافق باشد اگر هم تا وقت حرکت راه امن و منظم شد خیال دارم مسیر حرکت را از آن سامان قرار داده و چندساعتی در خدمت عالی بسر برده تجدید عهد نموده کاملاً از فضل جنابعالی مستفیض و بهره مند شوم تا خدا چه بخواهد و مقدور چه پیش بیاید. مترصد زیارت مرقومه شریفه است.

ذکاءالدوله

(۲۳۵)

سواد جواب و ثوق الدوله به مکتوب محمداسماعیل خان باوند

۴ میزان ۱۳۳۷

ریاست وزراء

نمره ۲۷۳۶

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید دام اقباله

مشروحیه جوابیه مالیاتی ملاحظه شد این که اظهار داشته‌اید آقای سیف‌الله‌خان که از امور مالیاتی مطلع است اجازه داده شود که به ساری رفته و محاسبه مالیاتی جنابعالی را تسویه نماید جواباً اظهار می‌شود که خواستن پسرهای جنابعالی به تهران مبنی بر مصالح و مقتضیاتی بود در این صورت رفتن سیف‌الله‌خان به ساری مقتضی نخواهد بود و جنابعالی نباید توسعه عمل مالیات را موکول و منحصر به رفتن مشارالیه نمائید محض این که زودتر این مذاکرات خاتمه داده شود اسباب و آسایش جنابعالی فراهم گردد تماینبه دیگری از طرف خودتان معین کرده و با آنچه نوشتجات راجع به مالیات روانه ساری نمائید که در اداره مالیه رسیدگی و رفع اختلافات بشود و اداره مالیه تصفیه حساب را تلگرافاً اعلام می‌نماید زیاده مطلبی نیست.

و ثوق الدوله ریاست وزراء

(۲۲۶)

سواد تلگراف و ثوق الدوله به محمد اسمعیل خان باوند

فیروزکوه، ریاست وزراء

۲۳ میزان ۹۷

جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیر مؤید دام اقباله

تلگراف جنابعالی رسید البته اولیاء دولت همیشه خدمات جنابعالی را تقدیر و به دولت خواهی و وطن پرستی جنابعالی اعتماد تام داشته مسئله کفایت حکومت به ترتیبی که نوشته‌اید اصل ندارد ابداً چنین انتخابی نشده است حکومت از طرف حضرت مستطاب اشرف ارفع اقدس والا شاهزاده اعتضاد السلطنه دامت شوکتہ فعلاً کماکان به عهده امیرالامراء محول است و خود حضرت اقدس والا هم همین چند روزه حرکت خواهند فرمود البته اولیاء دولت همیشه مقتضیات را در نظر خواهد داشت و موافق مصالح عامه اقدام خواهند نمود.

۱۲ میزان ۹۷

نمره ۱۵۲۱، وزارت جنگ

(۲۲۷)

سواد جواب و ثوق الدوله به محمد اسمعیل خان باوند

مورخه ۵ برج عنبر ۱۳۳۷

نمره ۱۷۲

جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیر مؤید دام اقباله

مراسله شریفه سمت وصول داد و از متدرجات آن مستحضر شدم اعتماد و اطمینان دولت درباره جنابعالی ثابت و برقرار است و مخصوصاً اینجانب همیشه به کفایت و کاردانی جنابعالی معتقد بوده حالا هم که برای تقدیم خدمت و اداء وظایف و دولتخواهی اظهار صمیمیت و حسن نیت فرموده‌اید در عقیده خود راسخ‌تر شدم آمال جنابعالی انجام، مقاصد دولت را در موقع مهمه باید استقبال کرده اولیاء دولت نیز از وجود جنابعالی استفاده نمایند و راجع به امر ریاست قشون برای آقای سهام‌الممالک اینجانب برای مساعدت حاضریم سابقاً هم مذاکراتی با وزارت جلیله جنگ در این باب شده بود به واسطه پاره‌ای نظریات و موانع که آن وزارتخانه داشتند به تأخیر افتاده حالا مطلب را تجدید و به وزارتخانه مراجعه خواهیم

کرد و امیدوارم قراری که موافق مصالح مملکت باشد در این باب داده شود.

محل مهر ریاست وزراء
وثوق الدوله ریاست وزراء

(۲۳۸)

سواد مکتوب سپهبد ار اعظم فتح الله اکبر به محمد اسمعیل خان باوند

۱۵ عقرب یونین، تپیل ۱۳۳۷

وزارت جنگ
نمره ۲۷۶۷

جناب آقای امیر مؤید دام اقباله

از مضمون مراسله جنابعالی کاملاً مسبوق و مستحضر شدم، اولاً گمان می کنم که تصدیق خواهید کرد که همه وقت وزارت جنگ نسبت به اغلب از مقاصد حقه نظر به قدمت و خدمتی که در دولت دارید به خصوص در اداره نظام مساعد و همراه بوده و در خاطر موارد عدیده وسایل اطمینان خاطر و میل امیدواری جنابعالی را از هر حیث فراهم داشتم و حال هم قدر خدمات و سوابق جنابعالی را می دانم و در استرضای خاطر جنابعالی به قدر امکان مساعدت خواهد کرد و اما در باب ریاست قشون مازندران یقین دارم این مسئله را کتمان نموده و تصدیق خواهید کرد که آقای اعظام السلطان در رجوع خدمت ریاست قشون مازندران سابقه خوبی دارد و مراتب لیاقت خود را کاملاً در تنظیم و تربیت افراد قشونی و جزئیات احکام دولتی مشهود داشته و با ملاحظه کماکان ریاست قشون آن نقطه به عهده ایشان محول و در همین چند روزه حرکت خواهد کرد و بدیهی است رعایت قواعد و قوانین نظامی که جنابعالی تابع آن قوانین آشنا و نظر به این که یک نفر شخص محترم نظامی مجربی هستید از فرایض دانسته و در مواقع لازمه از مساعدت در پیشرفت کار مشارالیه مضایقه نخواهید کرد و این یک مسئله را هم بدانید و می دانم اذعان نخواهید کرد به جهاتی چند که خودتان به خوبی آگاهی دارید اقتضا ندارد ریاست قشون محلی به عهده اهل محل بشود و همچنین ساخلو هر نقطه باید از خارج تهیه و اعزام گردد هرگاه برخلاف این ترتیب معمول شود هر روز یک نوع ایجاد اشکالات خواهد شد که نتیجه جز زحمت و دردسر اولیاء امور نخواهد داشت و به علاوه رشته انتظام امور اداری هم از هم گسیخته خواهد گردید و به این لحاظ البته ریاست قشون اعظام السلطنه آن سبب خواهد داشت. ثانیاً راجع به آقای سهم الممالک چون وزارت جنگ در صدد بعضی تشکیلات است عنقریب شروع خواهد

شده البته ایشان هم بی نصیب نخواهند ماند و مخصوصاً یک شغل نظامی که در خور مشارالیه باشد و از وزارت جنگ تعیین و مرجوع خواهد گردید که هم استرضای خاطر جنابعالی از این جهت فراهم و ایشان که در نظام بیکار نمانند مسلم است جنابعالی هم به وظیفه دولتخواهی که دارید در حفظ انتظامات حدود مازندران به قدر قوه مساعی جمیله به عمل آورده و توجهات اولیاء دولت را نسبت به خودتان جلب خواهید نمود.

محل امضاء، نتع الله، وزارت جنگ

(۲۳۹)

سواد تلگراف وثوق الدوله به سهم الممالک،

سردار اقتدار و سایر سرکردگان قشون

۲۵ عقرب ۱۳۲۷

تضریر $\frac{۱۹۲}{۸۲۵۰۶}$ تلگراف

از تهران به ساری

جواب نمره $\frac{۳۶۷۲}{۱۲۵}$

جناب آقای سهم الممالک و سردار اقتدار و سایر آقایان سرکردگان شرحی که مبنی بر دولتخواهی و خدمتگزاری خودتان تلگراف کرده و ضمناً راجع به قتل مرحوم اشرف الملک و پاره‌ای پشامدهای دیگر شکایت کرده بودید ملاحظه و از مندرجات اطلاع حاصل شد جواب اشعار می‌شود: که فقط نظر دولت در تعیین حکام اجرای عدالت و حفظ آسایش اهالی از روی تساوی و بی طرفی است در کار مازندران هم کاملاً این نظریه رعایت شده و اگر تصوراتی را کرده‌اید و ملاحظه پاره‌ای اشخاص شده به کلی عاری از حقیقت است مخصوصاً از طرف قرین شرف ملوکانه ارواحنا فداه به حضرت اقدس اشرف والا شاهزاده اعتضاد السلطنه دامت شوکته اوامر مؤکد صادر گردید که کمال بی طرفی را در امور صلح منظور و بایک نظر مساوی عادلانه به عموم طبقات سلوک فرمایند و موجبات آسایش و آرامی ولایات را فراهم فرمایند خود اینجانب نیز در این نکته مخصوصاً عریض به ایشان کرده و از عقاید حضرت معظم له کاملاً مطمئن و امیدوار شدم و یقین دارم اقدامات ایشان کاملاً بر وفق مصالح عموم خواهد بود در این صورت لازم است بعد ورود حضرت معظم له شرفیاب شده شکایت را معروض دارید البته نوعی بذل توجه خواهند فرمود که مجالی برای بروز پاره‌ای خیالات و اغراض باقی نماند و در انتظامات محل و آسایش عمومی مخصوصاً رسیدگی و به قضیه قتل مرحوم اشرف الملک و مجازات مرتکبین موجبات رضایتمندی و تشکر عموم طبقات اهالی فراهم گردد.

۲۲ عقرب نمره ۲۲۱۷

وثوق الدوله ریاست وزراء

(۲۴۰)

سواد مکتوب اعتضاد السلطنه به سیف‌الله‌خان باوند

حکومت مازندران

مورخه ۱۲ صفر ۱۳۳۷

امیرالامراء سیف‌الله‌خان مرتیپ دام مجده

یوم دهم شهر جاری وارد فیروزکوه شدم انشاءالله تعالی تا دو سه روز دیگر به مازندران حرکت خواهم کرد شرحی به جناب آقای امیر مؤید نوشته لغأ فرستادم لازم است هرچه زودتر به مشارالیه برسانید و مقدار کافی علیق و آذوقه از برای ملتزمین رکاب تهیه نمائید که از این حیث اشکالاتی فراهم نشود.

اعتضاد السلطنه

(۲۴۱)

مکتوب اعتضاد السلطنه به محمد اسمعیل‌خان باوند

نشان شیر و خورشید و تاج

حکومت مازندران

اداره

نمره

مورخه ۱۲ شهر صفر الاخیر ۱۳۳۷

هو

جناب جلالتمآب اجل آقای امیر مؤید زیده اقباله

یوم دهم شهر جاری وارد فیروزکوه شدم به واسطه کسالتی که از طی راه به خود اینجانب و همراهان عارض شده بود ناچار محض رفع خستگی دو سه روزی متوقف هستم و انشاءالله عنقریب به طرف مازندران حرکت خواهم نمود و فوق العاده شایق ملاقات شما هستم اگرچه شما مسلکی اتخاذ کرده‌اید که وجهاً من الوجوه نمی‌توان محملی بدان قرارداد مثل این که در مسافرت اول اینجانب به مازندران با قرب جواری که بود در تمام آن مدت به دیدن من نیامدید و حال آن که صمیمیت و استحکام سودت قبیله اینجانب را نسبت به خودتان می‌دانید محتاج به تجدید و تکرار نیست هر قدر تعقل و تفکر می‌کنم نمی‌دانم از کدام نقطه نظر و چه اصلی را تأسیس کرده‌اید که لزوم عدم معاشرت را بدان معطوف می‌دارید شاید علتی دارد که خاطر اینجانب مسبوق نیست والا شخص شما با آن همه عقل و کفایت و خدمات صادقانه که به تمام اجداد ما به تقدیم رسانیده‌اید مخصوصاً در موقع حکمرانی من که از همه گونه مساعدت و همراهی در حق شما مضایقه ندارم جهت خارجی

ندارد که در تحت یک قاعده مخفی که غیر از تولید برودت بلاسبب بین شما و دولت و حکومت وقت نتیجه دیگری نخواهد داشت مثنی نمایند. مسلم است که اگر بعضی پیشنهادات و تقاضاهایی راجع به امورات خودتان در نظر دارید ممکن است در موقع ملاقات اظهار نمایند با رعایت مقتضیات وقت و محل خود اینجانب با هیأت دولت خصوصاً ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداه داخل مذاکره شدم خیلی زودتر بر وفق مرام فیصله و تصفیه نمایم.

در خاتمه انتظار دارم برخلاف ماسبق تغییر سلیقه داده و اینجانب را در صرض راه ملاقات نمایند.

اعتضادالسلطه

(۲۴۲)

جواب احمد شریعت زاده^۱ به محمد اسمعیل خان باوند

۱۵ شهر صفر ۱۲۷

قربانت شوم، از ورود جناب اجل عالی حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای ثقة الاسلام بنده را مستحضر فرموده و لذا لازم دانست مراتب ارادت خود را به وسیله این عریضه تقدیم دارم. نمی دانم مراسلات سفارشی من و تلگرافاتی را که به جناب مستطاب عالی مخابره کردم از بارفروش رسانیده اند یا نه، البته آقای آقارضاخان^۲ وظیفه جناب سامی را عهده دار خواهند شد مراتب به قراری است که هفته قبل عرضه داشته‌ام چیز تازه این است که اقدامات جدید به وساطت حضرت حجة الاسلام آقای مدرس در جلوگیری از تأثیر شکایات بی اساس مغرضین نسبت به جنابعالی به عمل آمده، تمام رفقا و هیأت اجتماعیه ما این تصمیم را رسماً نموده اند که از جنابعالی دفاع نمایند امروز با جناب مستطاب اجل آقای اقتدارالدوله کفیل وزارت داخله ملاقات مفصلی و معزیه‌ای را کاملاً برای مساعدت با جنابعالی و عدم اعتنا به شکایات مغرضین نسبت به جنابعالی حاضر کرده و موقعش که حاصل گردید احضار امیرالامراء از مازندران است که فردا فعلیت خواهد یافت و چنانچه

۱. احمد شریعت زاده نماینده ادوار ۵ و ۶ و ۷ و ۱۳ و ۱۵ از بابل و ادوار ۸ و ۹ از کمره، خمین و محلات. نامبرده به

وکالت دادگستری نیز مشغول و از عناصر بدکار و بدنام در دوره پهلوی‌ها بود.

۲. احتمالاً اشاره به میرزا محمد رضا نجدد است.

می دانید وجود مشارالیه از جهات عدیده مثل مقاصد مابوده و امانتدانستم در این موقع چرا از بارفروش به ساری تشریف برده اید و موجب این اقدام چه بوده است، البته مرقوم دارید به عقیده من این ایام مسئله انتخابات عملاً شروع شده است و در مازندران هم عنقریب شروع خواهد شد البته باید جناب مستطاب عالی در بارفروش باشید تصمیم ما در انتخاب جنابعالی و بنده و جناب مستطاب ملاذالانام آقای اعتضادالاسلام^۱ مازندرانی که حضرت جنابعالی بهتر عارف به مقامات ایشان هستید، می باشد باید در این زمینه عملیات را جریان با معاون وزارت داخله راجع به ضدیت با مخالفین سابقه دار حقه در انتخابات موافقت حاصل شد. لازم است جناب مستطاب عالی مرقوم دارید که در زمینه انتخابات چه اشخاصی در کارند و با جنابعالی چه کسانی در این موضوع طرف مکاتبه می باشند موقع موقع اهمیت است موقعیت در این دوره اهمیت سیاسی و مادی دارد زیاده عرضی ندارم و راجع به امورات دیگر در مراسله سابقه تفصیلاً زحمت داده ام. زیاده قربانت

[امضاء] احمد شریعت زاده

(۲۴۳)

سواد مکتوب اعتضادالسلطنه حاکم مازندران
در جواب مراسله محمد اسمعیل خان باوند

مورخه ۲۲ شهر صفرالخير ۱۳۳۷

حکومت مازندران

جناب جلالتمآب اجل آقای امیر مؤید زیده اقباله، مراسله تبریک آمیز جنابعالی که متضمن تبریکات و اظهارات خدمتگزاری سایر سرکردگان نظامی که بعد از حرکت اینجانب از علی آباد به آنجا آمده اند واصل و از تبریکات عموم مزید بر مسرت گردید نیز شرحی که در خانمه راجع به آقای سهم الممالک نوشته بودید ملاحظه شد انشاءالله پس از ورود به ساری شروع به اقدامات [خواهم کرد] شاید موفق به انجام این عمل بشوم.

اعتضادالسلطنه

۱. به نظر می رسد لقب یکی از علمای مازندران باشد که نام قبایل ذوالنصر داشته است.

(۲۴۴)

سواد نامه سرگرد فرج‌الله خان آق‌اولی^۱ به محمد اسمعیل خان باوند

خصوصی است

تصدقت شوم، مرقومه محترم زیارت گردید از سلامتی وجود محمود فوق العاده خرسندی حاصل گردید این که از عدم مکاتبه اظهار نارضا مندی فرمودید همان است همان که خودتان پیشگویی فرموده به واسطه اشتغال به پاره‌ای امورات اداری است با عقیده صاف و پاکی که نسبت به شخص حضرت مستطاب عالی دارم هیچ وقت ارادتم به تزلزل تصادف نخواهد نمود شرحی راجع به یک قبضه سه تیر ماوزر مرقوم داشته بودید چنین اسلحه‌ای در ژاندارمری مازندران ندارد و توقیف نشده شاید سلطان محمدخان همراه خود برده باشد و لازم به تحقیق است تمام اشیاء ژاندارمری را بنده به موجب رسید دریافت و نقصان هریک مشرئیت خواهد بود بلکه با تحصیل اجازه از مرکز ولی در این مورد یقیناً اگر سابقه در اداره بوده شخصاً اقدام و در خصوص نتیجه مساعدت نموده و جاهد بوده‌ام مع التأسف هرچه تفتیش کرده‌ام چنین اسلحه‌ای در مخزن نیست و محتاج به تحقیقات خارجی است که از نتیجه البته خاطر عالی را متحضر خواهد نمود مثله جالب توجهی در چند روز قبل در پست ارجه^۲ اتفاق افتاده بود شرحی به طور اداری حضورتان ایفاد داشته گمان می‌رود تاکنون عز و وصول بخشیده و از مضمون کاملاً اطلاع حاصل فرموده‌اید بنده هیچ وقت انتظار نداشتم که در حدود نفوذ حضرتعالی چنین حرکت خلاف قابل تنقید اتفاق افتد تصور می‌کنم لازم است در اصلاح این مسئله اقدام جدی فرموده و از وقایع و از نظایر این قضایا که مآلاً رخامت داشته و منجر به یک رشته کنشمکش‌های شدید غیر قابل جبران و بالاخره سوء تفاهمات خواهد شد جلوگیری فرمائید خیلی جای تأثر است که برخلاف انتظار و امیدواری بنده از طرف کسان حضرت اجل عالی در پیشرفت امورات اداری تولید اشکالات می‌کنند بنده یک نفر صاحب منصب وطن پرست ملی طالب ترقی ایران ولی باید حیثیات افراد زبردستان خود را هم محفوظ دارد هیچ دلیلی در مقابل این حرکت غیر قابل آن شخص سوادکوهی موجود نیست و مخصوصاً حضرتعالی که پدر تمام نظامیان هستید به حکم قانون باید در سیاست او بیشتر سعی و از وقوع یک واقعه بزرگی در آتیه جلوگیری فرمائید.

ارادتمند حقیقی، فرج‌الله مازرو

۴ شهر ربیع الاول ۱۳۲۷

۱. سرگرد فرج‌الله آق‌اولی

۲. شیخ رحه نام فریه‌ای است در علی‌آباد سابق و فتنه‌شهر فعلی

(۲۴۵)

سواد نامه وثوق الدوله به محمد اسماعیل خان باوند

مورخه اول جدی ۱۳۳۷

جناب مستطاب اجل اکرم امیر مؤید زنده اقباله

جناب مستطاب شریعتمدار ثقة الاسلام سلمه الله، شرحی از حسن نیت و عوالم مؤدت به اینجانب مرقوم داشته بودند لازم دانستم مراتب امتنان و خوشوقتی خود را اظهار و از سلامت احوال جنابعالی استعلام و کسب سرت نمایم و این مختصر را مخصوصاً به توسط جناب معزی الیه ارسال می دارم که ایشان هم در تبلیغ احساسات دوستانه اینجانب کمک و مساعدت نموده و جنابعالی را از عالم محبت من مستحضر دارید بدیهی است از طرف جنابعالی که همیشه انتظار دوستی و صمیمیت دارم و امیدوارم چنان که مقتضی عقل و کفایت و مقام و حیثیت جنابعالی در خدمتگزاری دولت است و همه وقت به این عنوانات خودتان را معرفی کرده و بعدها نیز همین رویه را تعقیب نموده از طرف اینجانب مطمئن باشید که در کلیه مقاصد دولتخواهانه جنابعالی مساعدت را دارم و از شرایط دوستی و محبت به هیچ وجه دریغ نخواهم کرد.

رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

(۲۴۶)

سواد مکتوب حاجی مفتاح الملک نوری^۱ به محمد اسماعیل خان باوند

وزارت داخله حکومت عربستان

مورخه ۱۹ جدی ۱۳۳۷

خصوصی است

قربانت شوم، انشاء الله مزاج محترم جناب مستطاب عالی به سلامت و صحت مقرون است و من بحمد الله به سلامت همری می گذرانم و تقریباً ششماه است که به حکومت عربستان مأمور [می باشم] تا بستان امسال را در این جهنم واقعی به سر برده و اینک که ماه جدی است هنوز مثل بهار سبز و خرم است، باری سه شب قبل در عالم خواب دیدم که بنده و جنابعالی هریک سوار اسبی سفید و از دریای مازندران یا کمال خوبی حرکت می کنیم بنده با کمال تعجب پرسیدم چطور است این اسب ها از دریا این طور حرکت می کنند حضرت تعالی

به بنده نشان دادید و بال‌های اسب‌ها را که مثل پرنده بال داشتند و فرمودید این بال‌ها اسب‌های دریایی هستند که به کسی رام نمی‌شوند ولی بحمدالله به ما رام شده‌اند در این بین اسب‌ها از روی آب پرواز نمودند و مدتی در باغ‌ها گردش نموده و ما باهم صحبت می‌داشتیم ولی بنده را قدری جبن گرفته از خواب بیدار شدم که انشاءالله خیر است و برای بنده اول تعبیرش هم همین است که با هزار گرفتاری طاقت‌فرسا که دارم یک هیجانی در قلبم مملو از ارادت صادقانه پیدا شده به وسیله این مختصر را یادآور خاطر محترم می‌دارد و همواره شوکت و اقبال آن وجود محترم را از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌نمایم و امیدوارم آقا زادگان معظم و فامیل محترم همگی در زیر سایه سلامتی وجود عالی شاد و خرم بوده باشند امید است که از ارجاع خدمات و فرمایشات مخلص صمیمی را با عوالم یگانگی و ایلیت و صمیمیت که در بین بوده مضایقه نفرموده ممنون و مسرورم فرمائید.

مخلص حاجی مفتاح‌الملک نوری

(۲۴۷)

سواد مکتوب حکمران مازندران اعتضادالسلطنه

به محمد اسمعیل خان باوند

حکومت مازندران

مورخه ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۷

نمره ۱۶۶

جناب جلالتمآب آقای امیر مؤید

در این موقع که جناب آقای امیر اشرف^۱ حکمران سوادکوه برای تسویه بعضی از امور سوادکوه به علی آباد عزیمت دارند می‌نویسم مدتی است که از طرف جنابعالی مداخلت مالکانه در املاک خالصه دولت می‌شود تا حال هم هرچه صلت مدارک مداخله را خواسته‌اند به مسامحه و طفره گذرانیده و مالیات دولت را هم نپرداخته‌اند البته لازم است به فرریت مدارک مداخلات خود را در خالصجات دولت اظهار و ابراز دارید در صورت نداشتن مدرک من صلاح شمارا در این می‌بینم که همین امسال کلیه خالصجات [را] به اداره^۲ مالیه تحویل نمائید که رفع این گفتگو [و] خائله بشود.

اعتضادالسلطنه

بارفروش

۱ امیر اشرف حکمران سوادکوه، برادر کوچک امیر مؤید و پدر لهای خان سالار جنگ و دکتر آریا پارت باوند.

(۲۴۸)

مکتوب لطفعلی خان گلبادی سردار جلیل به رئیس الوزراء (وثوق الدوله)

۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۷

متحد المآل

مقام منبع و موقع رفیع ریاست وزراء عظام دامت عظمته

البته خاطر مبارک از تعذیبات و تجاوزات خود سرانه و بیرحمانه امیر مؤید سوادکوهی و پسرها و اهوان و اتباع او از بدو طلوع آفتاب مشروطیت الهی کنون کاملاً مکشوف و بر احدی پوشیده و محتاج به ذکر و بیان نیست این مجسمه و جوهر استبداد در این چند ساله گوی سبقت از ضحاک و چنگیز روده اولین قدم مخالفت با دولت متبوع مظلوم برداشته بلوکات سوادکوه، شیرگاه، بابل کنار^۱، لفور، صنم^۲ دارکاشت^۳ و واکذا^۴ غیره را به عنف تصرف کرده چون اسناد متصدیان امور مملکتی به اصرار و دفع الوقت گذرانیدند روز به روز قوت گرفته مرحوم اعظام الملک از سرکردگان نامی دولت را مخمل پیشرفت مقاصد خود تصور کرده علناً با جمعیت به خانه آن بیچاره ریخته خودش با چندین نفر را مقتول ساخته و خانه اش را آتش زده همچنین مرحوم سعید حضور^۵ را مانع از تمرکز به علی آباد دیده به لطایف الحیل در منزل شخصی خود او را به قتل رسانیده در خلال این مدت قریب یک کرور اموال مردم را بتقریط و بالغ بر هزار نفوس محترم را مثل مرغ هدف گلوله قرار داد از فیروزکوه الهی حدود هزار جریبات را در تحت نفوذ خود فرار داده که هیچ ذی روحی در آن حدود نه صاحب مال و نه صاحب ناموس است حتی زنهای شوهر دار را علناً عقد می نماید که مال او را ببرند و هكذا زنهای شوهر مرده را فرصت نمی دهند که عده شرعیه او منقضی شود رفته رفته خیالش اوج گرفته در صدد برآمد که این فدوی را با خود متحد نماید بلکه از طریق دوستی بقیه مازندران را در تحت قدرت خود بیاورد تا به خیال فاسد خود که استقلال مازندران یا سلطنت که به کرات از او شنیدید، برسد. پار سال گذشته به وسائل و وسایط کثیره گاهی به القای شبهه خود را وارد ساری کرده به چه هنارین از مردم بدبخت پول گرفته هر روز جزع و ناله های مردم بلند بود یکی داد می زد اسب و گاو را بردند یکی نعره می کشید شالی مرا چاییدند چون به اخلاق مألوفه و ممتحنه بنده یا رداییل اعمال و

۱. ملکی بوده است جزو بلوکات منطقه سوادکوه. ۲. قریه ای است در هومس کنار (بالا نجر).

۳. دارکاشت = هومس کنار.

۴. یکی از حوایس علی آباد سابق و قاتم شهر فتمنی. نامرده سرناهر یا علامحسین سرخه سلطان و از بدبختان می شود و دو نیرواندازی به قتل می رسد.

سیئات اخلاق فطری مشارالیه توافق ندارد حضوراً و پیغاماً و کتباً ترک این احوال خبیثه را از خود و محارمش تقاضا نمودم جواب عملی به مفاد با شیر اندرون شد و با جان به در شود شنیدم چون حس کردم که عاقبت دچار مشکلات و فساد عظیمی شده در تاریخ نام نیک خانواده اول مازندران، که چه خدمت ها به دولت و ملت نمودند به یدی معرفی نشود کناره جوئی نمود پارسال به لطایف و کلمات محفوظات طوطی وار خود یرادبهاالباطل که ظاهراً می گوید حامی رنجیرم و باطناً رودخانه تالار^۱ که دوست آبادی مشروب می شد به کلی خشک کرده قریب هزار و پانصد خانوار رعیت را مستأصل و متواری و از گرسنگی تلف کرده و تمام این قراء ویران و مرتع شده خواست مثل سنه ماضیه فدوی را آلت پیشرفت مقاصد خود قرار بدهد حاضر نشدم اکنون قریب دو ماه است یوقلمون وار هر روز یک پرده تیاتر بلند کرده به واسطه حصول اطمینان به عدم مسئولیت و جلوگیری از طرف دولت آشکارا و جهاراً با نهایت بی رحمی و جلالت محصول سه چهار محل نوکنندگا^۲ از اریایی و رعیتی که قریب سه هزار خروار شالی بوده برده و یغما کرده^۳ سه محل دیگر به واسطه سد رود تالار به کلی لم یزرع ویران گذارده که از این محصول منهویه بایستی بیچاره ها ارتزاق نمایند همه را بی معاش و متواری گذاشته لاعلاج دولت اخطار و جداً جلوگیری احوال ناشایسته او را استدعا کردم چنانچه اقدامی از طرف دولت متبوعه نشود به حکم قوانین مذهبی و مدنی دفاع که از لوازم بشریت است شخصاً در مقام استرداد اموال منهویه و املاک مقضوبه دولت را خواهم نمود و امید وارم شر این ظالم قتال جبار خونخوار را از هر دولت رفع نمائیم چون آن ذوات مقدسه به خوبی از احوال او سابقه دارند متذکر می شوم که هرگاه مشارالیه در مقام... برآمده به اظهارات او وقتی نگذارید فدوی هم از تخویفات و توعیدات او واهمه نمی کنیم.

فدوی لطفعلی گلبادی

۱. در قائم شهر حالیه واقع است و از سوادکوه سرچشمه می گیرد.

۲. نام چندین ده است بی ساری و قائم شهر.

۳. آقای کبیرس باوند نوه امیرمؤید باوند سوادکوهی فرمودند: در این ایام قحطی بوده است و امیرمؤید دستور می دهد انبارهای محصول احتکار شده توسط سردار جلیل را گشوده و موجودی آن را میان گرسنگان و کشاورزان تقسیم کنند.

(۲۴۹)

سواد تلگراف فتح‌المخان سپه‌دار اعظم
وزیر جنگ به محمد اسمعیل خان باوند

۱ حوت ۱۲۹۷

نمره ۱۱۷۷

جناب مستطاب اجل اکرم آقای امیرمؤید زیده اقباله
برای حفظ نظم عمومی ژاندارمری حسب‌الوظیفه در شهر پست ژاندارم برقرار خواهد
تمود مقتضی است قدغن فرمائید گماشتگان حضرت مستطاب عالی از نقطه‌ای که هستید
تجاوزی ننمایند.

نتح‌الله

(۲۵۰)

سواد تلگراف وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء به محمد اسمعیل خان باوند

چهار برج حوت

از تهران به ساری

جناب مستطاب اجل آقای امیرمؤید

برای رسیدگی به اختلافات فعلی مازندران این طور تصمیم شده است که از مرکز مأمور
محترمی به فوریت اعزام شود و جناب مستطاب آقای ظهیرالملک مدیر کل وزارت جلیله
امور خارجه برای این مأموریت تعیین و عنقریب حرکت خواهند کرد جناب‌عالی در ساری
مراجعت نموده [کذا] و منتظر ورود جناب ظهیرالملک باشید تا نتیجه و تحقیقات مشارالیه به
مرکز برسد و تصمیمات لازمه اشهر شود.

۴ حوت نمره ۲۵۱۲

وثوق‌الدوله ریاست وزراء

مهر تلگرافخانه ساری

(۲۵۱)

سواد تلگراف رئیس مالیه مازندران به حکمران سوادکوه

مورخ ۱۱ حوت یونس‌تیل ۱۳۳۷

خزانه داری کل ایران

جناب مستطاب اجل اکرم عالی آقای امیر اشرف

حکمران سوادکوه دام اقباله العالی

البته خاطر جناب مستطاب عالی از احکامات اکید دولت راجع به ضبط خالصجات دولتی مسبق و از طرف ایالت جلیله عظمی نیز دستور العمل لازم در این خصوص به جناب مستطاب عالی داده شده است جناب مستطاب عالی وارد است چون مسئولیت انتظام سوادکوه و تصرفات خالصجات دولتی تا یک درجه امروز بر عهده کفالت لازم به کمال جدیت در پیشرفت مقاصد دولت مجدانه به عمل آورده خاطر اولیاء دولت علیه را از حسن خدمات خودتان مشعوف دارید از طرف اداره مالیه هر مساعدتی که در پیشرفت این مقصود اگر هم به فرستادن سوار قزاق [هم] باشد لازم اطلاع دهید که به لوازم پیشرفت کار اقدام شود.

رئیس مالیه مازندران اسمعیل

مهر وزارت داخله

(۲۵۲)

تلگراف محمد اسمعیل خان باوند به ارکان دولت

توسط آقا شبحملی نجم آبادی مجتهد

اسفند ۱۲۹۷

نظر به استظهار و امیدواری به تصمیمات دولت امتثال امر را فریضه خود دانسته لذا از ساری بطوری که مقرر فرموده با سایر رؤساء و بعضی علماء و همراهانی که داشته حرکت نموده و در علی آباد فعلاً توقف خواهند کرد تا آقای ظهیرالملک رسیده هرطوری که ایشان مقتضی بدانند در اطاعت اوامر اولیای دولت مطیع و برای خدمتگزاری حاضر خواهند بود.

(۲۵۳)

سواد مکتوب حاکم مازندران به محمد اسمعیل خان باوند

وزارت داخله اداره کابینه حکومتی مازندران

نمره ۵۹۵، مورخه ۳ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۷

جناب جلالتمآب اجل اکرم آقای امیر مؤید دام اقباله

راجع به املاک و علاقجات آقای سردار جلیل که حضوراً هم با جنابعالی مذاکره کرده و قرار شد خود شما جلوگیری از بعضی عمال که خود را ملقب به طایفه جنابعالی و آقایان

سوادکوهی ها می دانند و بدین جهت اتصالاً تولید زحمت می نمایند جداً از اقدامات آنها جلوگیری نمائید و اینک از قراری که مجدد می شنوم بعضی ها از قراء نوکندکا و رکابدارکلا^۱ مداخلات نموده و مانع هستند که نماینده و مباشرین به سمت رفیق شمایند نروماً متذکر می شوند که قدغن نمائید احدی به اسم جنابعالی و آقایان سوادکوهی از املاک فوق الذکر مداخلات نموده و ممانعت درمست و فقر مباشرین سردار جلیل نمایند البته با مذاکراتی که شده است طوری جلوگیری خواهید نمود که بنده مجبور نشود باز اقدامات دیگری که منجر به پاره ای پیشآمدها بشود بنمایم و راجع به عرایض و مطالب رعایا قراء مزبور نیز چنانچه مذاکرات شده است به آنها اطمینان بدهید که به شهر حاضر شوند و البته به عرایض آنها رسیدگی شده و احقاق حق خواهد شد.

اعتضادالسلطنه

(۲۵۴)

سوادمکتوب ظهیرالملک به محمداسماعیل خان باوند

۲۸ برج حوت ۱۲۲۷

فدایت شوم، صورت حکمی که از طرف اولیاء دولت علیه بنا به اراده بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداء راجع به مأموریت موقتی این خادم دولت صادر شده است لفاً ارسال و ضمناً زحمت افزا میشود که به فوریت صورت و فهرست موادی که به وسیله اختلاف مابین جناب مستطابعالی و جناب آقای سردار جلیل گردیده مستلزم اعزام این خادم دولت به مازندران شده است فوراً مرقوم و یک نفر امین و نماینده خودتان به بارفروش ارسال فرمایند که این خانه زاد دولت به اقتضای وظایفی که در این مأموریت خود دارد در آنها تعمق و مطالعات لازمه نموده و اوامر دولت را از طریق افکار مسالمت جوینان خود تبلیغ و مراتب را به عرض اولیاء دولت برسانم. تعلیمات لازمه در اصلاح امر اتخاذ نماید همین طور هم به آقای سردار جلیل ابلاغ و فهرست مطالب ایشان که طلب شده است ایام جلالت مستدام باد. مجدداً توضیح می دهم که خود جنابعالی با یکی دو نفر همراه به بارفروش تشریف بیاورید و یا نماینده امینی از طرف خود بفرستید.

(۲۵۵)

سواد عریضه معاریف ساری به محمد اسماعیل خان باوند

تهر ربيع الثانی ۱۳۳۷

به حضور آقای امیر مؤید

به عرض می‌رساند، بعد از استعمال از سلامت وجود محترم جناب مستطاب عالی لزوماً تصدیق می‌دهد برخلاف انتظار در ظرف این چند روز در ساری بعضی انتشارات حاصل شده است که از طرف بندگان جناب مستطاب عالی بعضی از اشخاص به عنوان تبلیغ مسلک بلشویکی به اطراف و اکناف علی‌آباد اعزام می‌شوند بعد از آن که دوستان صمیمی بندگان عالی این مسئله را شنیده فوق‌العاده در تحیر و با مراتب اطلاعاتی که از مقتضیات زمان دارید این چه مطلبی است در نظر گرفته و انجام آن را تعقیب دارید در صورتی که پیشرفت این مطلب با حیات و بقای یک جمعیت منافات دارد واحدی از مردم این قراه که خود را علاقمند به این آب و خاک می‌دانند تمکین به این گونه مطالبی که متضمن هزار گونه فساد و موجب فوق‌العاده حصول انقلاب است نخواهند کرد نمی‌دانیم که چه شده است وجود محترم جناب مستطاب عالی با فراست و درستی که دارند اقدام به این گونه مسائل غیر منتظره می‌فرمائید و اشخاصی که باب خصومت را باز و حتی المقدور منتظر فرصت و دقت [هستند] که ساحت مقدس جناب مستطاب عالی را لکه‌دار نمایند و موفق به آرزوی خود شوند وضعیت یک مملکت را برخلاف رأی و عقیده بندگان عالی سوق دهند اگرچه ارادتمندان این مطالب را قویاً تکذیب کرده و اقداماتی که لازم بوده است به فوریت به عمل آمده ولی مع هذا جناب مستطاب اجل عالی آقای امین‌الرحایا را اصنام خدمت داشته خصوصیات مطالب را حضوراً عرض خواهد کرد. البته عرایض صادقانه اینجانبان را که جز خیر خواهی و مصالح وقت نیست به حسن قبول تلقی فرموده و طرف را موافق به آمال دیرینه خود ندانید زیاده تصدیق نمی‌دهد.

به مهر ۱۲ نفر از معاریف، شریف‌العلماء، مقتدرالسلطان، فخرالعارفین، محمودالسلطان، وثوق‌الممالک

(۲۵۶)

سواد تلگراف وزارت جنگ به حکومت مازندران

ایالت جلیله طبرستان

در جواب تلگراف رمز نمرة ۱۱ اطلاعاً زحمت می‌دهد نظر به پاره‌ای راپرتی که به مقام

ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ رسیدہ کفایت قشونی مازندران را به عہدہ سہم الممالک تصدیق نمی فرمایند مگر این کہ جناب مستطاب عالی به هر ترتیبی کہ می دانید وسایل اقتناع خاطر محترمشان را فراهم فرمائید.

نمبر ۱۱۸۶، وزارت جنگ

(۲۵۲)

سواد مکتوب نظام السلطان نوری به محمد اسماعیل خان باوند

حکومت و بندہ نهران

فدایت شوم، مراسلہ شریفہ واصل و از سلامتی مزاج شریف بی نہایت مسرورم و خوشوقت شدم در باب آقای منتخب الممالک^۱ اشعار فرمودہ بودید در همان ابتدا کہ از طرف جناب عالی اظهار شدہ بود بندہ در این باب اقداماتی نمودہ و مخصوصاً با جناب اجل آقای ذکاء الدولہ مذاکرہ کردم و چندین مرتبہ تکرار نمودم نمی دانم به چه علت ایشان برای تقبل و پیشنهاد این مسئلہ حاضر نشدند با این کہ صلاحیت این کار را ہم... کہ در دست بود خاطر نشان و گوشزد کردم باز حاضرشان ندیدم و مقصود این است کہ بدانید از طرف مخلص و آقای منتخب الممالک کوتاهی و غفلت نمی شود با این تفصیل هر نظریہ داشتہ باشید مرا ہم مستحضر فرمائید امیدوارم خداوند توفیق انجام بہ بندہ عنایت فرماید پوستہ متظر وصول مرقومات و مؤدہ سلامتی بودہ و ہستم، مخصوصاً در این روزها اقدامات جدید در پیش گرفتہ ام کہ امیدوارم بہ انجام آن موفق شوم. زیادہ زحمت است بعد از ہزاران دقت محرمانہ می نویسم کہ چشم از آقای ذکاء الدولہ احتمال روشنی نمی رود بہ آن مهمی کہ مازندران از هر حیث دارد آدم بزرگتری از حیث تجربیہ و عقل لازم دارد گو این کہ ایشان ہم بد عقیدہ نیستند ولی قدری تجربیہ شان کم است ولی خیلی محرمانہ بماند این مسئلہ را با نہایت صمیمیت بہ جناب عالی سابقہ خاطر دادہ ام.

نظام السلطنہ نوری

(۲۵۸)

سواد مکتوب جمعی از معاریف ساری به محمد اسماعیل خان باوند

به عرض عالی می‌رساند، مطابق وعده کتبی که استنکاف مطالب را موکول به ملاقات آقای عمو اوغلی^۱ فرمودید و ضمناً هم اشاره فرمودید که بر حسب اعلام درخواست آقای ظهیرالملک به بارفروش تشریف خواهید برد تا کتون به انتظار ملاقات عمو اوغلی یاقی و از اخبارات به کلی بی‌اطلاع و همچنین خود حضرت عالی هم با این که با اجازه مقتضیات بایستی تشریف ببرند به بارفروش تا به حال تشریف نبردید از چه نقطه نظر بود معلوم نشد امروز که یوم بیست و سوم شهر جاری است جلسه مرکب از حضور آقایان معتمدین منعقد و لزوم حرکت حضرت عالی به بارفروش و جواب نظریات آقای ظهیرالملک در احضار طرف به بارفروش و مذاکراتی به عمل آمده عموماً چنین رأی دادند که به فوریت و بی‌توقف یک شب هم باشد به بارفروش حرکت فرموده و هر چه زودتر در تعیین و تکلیف و اختتام و نتیجه قاطعی اتخاذ فرمایند و نیز از نتیجه مذاکرات کتبی و شفاهی که به وسیله... در هیئت اعزامی در این مدت به عمل آمده دعاگویان را مستحضر فرمائید و همچنین اقدامات لازمه از طرف دعاگویان باید به عمل آید مرقوم فرمائید تا اقدام بشود در خاتمه عرض می‌کنیم پس از وصول تلگراف آقای ظهیرالملک و احضار طرف به بارفروش طرفدارانشان را الیه کتباً و تلگرافاً تقاضای تشریف فرمائی آقای ظهیرالملک را به ساری نموده که با مساعدت حکومت جلیله به مقاصد غیر شرعی خود نائل گردند و تا کتون موفق نشده‌اند. حضرت عالی هم بایستی جدیت فرمائید که نقشه خیالات فاسد، طرف جنبش ننماید. ایام جلالت مستدام. امهار در ظهر ورقه، مقتدر السلطان، حبیب‌الله، شریف‌العلماء، مؤید نظام^۲، به ضمیمه شش مهر دیگر

(۲۵۹)

سواد درخواست نظام السلطان امیر نوری از محمد اسماعیل خان باوند

فدایت شوم، مراسله شریف وارد و از مندرجات آن مستحضر شده و آقای میرزا رضاخان^۳ هم مراتب را اشعار داشتند با امتحاناتی که در این مدت فرموده‌اید البته

۱. حسین خان عمو اوغلی پسر عموی امیر مزید باوند سواد کوهی.

۲. از سرکردگان کرد مازندران.

۳. به گمان آقای کیوس باوند نامبرده باید میرزا صاحبان نوه برادر امیر مزید، یعنی پسر حاج مزید السلطان و برادر

تصدیق می فرمائید که تا به حال هرچه از این نهضت‌ها شده که در صورتی که بدو با یک عزم و عقیده صحیح بوده ولی به واسطه عدم قابلیت و اعراض شخصی زحمات مبتکر را هم به هدر داده نگذارده‌اند نتیجه مطلوبی حاصل شود در هر صورت معتقد است مبنی بر همان عقاید پاک جنابعالی است و آنچه در دل دارم آقای میرزا رضاخان عرض خواهند کرد و خود بنده هم در این روزها به واسطه مانع و معذوراتی که در پیش بود از خدمت ایالت تهران استعفا داده و دیگر من هم زیر بار این خدمت نخواهم رفت ولی نظر به این اصطلاح که چراحی که به خانه رواست به مسجد حرام است فکر کردم حالا که زحمتی را متحمل می شوم چرا برای دوست و بستگان خود قبول نکنم اگر چه شاهزاده احتضادالسلطنه مشغول پاره‌ای اقدامات هستند و شاید بعضی‌ها از آنچه اظهارات و یا تلگرافی کرده و می کنند ولی در صورتی که جنابعالی مرقع را مقتضی بدانید و از طرف اهالی تلگرافاتی به مقام ریاست وزراء عظام بشود گمان می کنم بی نتیجه نباشد به خوبی مطلع هستید که مقصود من خدمت به اهل ولایت چیزی دیگر نیست و بلکه با همه فکر جنابعالی طوری شود که این مشقت مردم ساده از آلت دست بودن مردم خارج شوند آتیه خود را در نظر گرفته از این گرداب هلاکت خود را رها کنید. بعضی انتشارات هم در اینجا است که میرزا رضاخان خاطر نشان خواهند کرد مختصراً بنده خودم را برای خدمت به مازندران و مازندرانی حاضر کرده ام تا نظر جنابعالی چه باشد و منتظر جواب هستم بعضی تکلیفات دیگر هم راجع به نقاط دیگر به من شده است و جواب صریح ندادم تا جواب این مشروحه بنده از طرف جنابعالی برسد.

امیر نوری نظام السلطان

(۲۶۰)

سواد نامه ظهیرالملک به محمد اسمعیل خان باوند

چون در این موقع که مرحوم ضرغام‌الممالک^۱ به رحمت ایزدی پیوسته به واسطه این که این مرحوم از صاحب‌منصبان قابل و کافی کارآزموده بوده و کاردان قدیمی بوده کمال تألم و تأسف به اینجانب وارد است مخصوصاً از جنابعالی تقاضا و خواهش می‌کنم که از طرف

← بزرگ سپید لطفعلی باوند باشد.

۱. پسر عمه و همچنین شوهر خواهر امیرمؤید باوند سوادکوهی.

اینجانب به سیف الممالک^۱ و بنی نواده مرحوم ضرغام الممالک تسلیت بگوئید و از تألم من در این قضیه ناگوار مستحضر نمائید.

حکومت مازندران، امضاء

(۲۶۱)

سواد مکتوب ظهیرالملک به محمد اسماعیل خان باوند

۷ حمل ۱۳۳۷

خدمت جناب مستطاب اجل امجد اکرم آقا امیر مؤید دام اقباله جناب آقای سردار جلیل نماینده‌ای از طرف خود فرستاده تظلمات و مطالب خود را هم صورت فرستاده‌اند جناب مستطاب عالی هم لازم است خیلی زود نماینده شایسته از طرف خود فرستاده با فهرست مطالب خودتان بفرستید که مطالعات لازمه نموده در حل و تسویه آنها اقدامات لازمه به عمل آید.

ظهیرالملک، محل امضاء

(۲۶۲)

سواد مکتوب فتح‌الله خان سپه‌دار اعظم به امیر مؤید

وزارت جنگ

جناب مستطاب اجل آقای امیر مؤید دام اقباله

با مناسبات فی عابین پیوسته در این صدد بودم و انتظار آن می‌رفت که اولاً یا ارسال مکاتیب و مراسلات به تکمیل ارادت و عوامل موافقت بیفزایند متأسفانه هفته‌ها و ماه‌ها بلکه سال‌ها گذشت که بالمره طریق فراموش کاری را ترجیح داده و ابداً در مقام پرسش حالی برنیامده‌اید تا این که به ترتیب مراسله مورخه یازدهم حمل مبادرت ورزیده و ضمناً از مدلول آن مرا طرف اطلاع قرار داده‌اید فوق‌العاده مشعوف و از اظهار تبریکات جنابعالی نیز امتنان می‌نمایم چرا که وضع صمیمیت جنابعالی را نسبت به خود همواره تصدیق داشته‌ام که